

Iskra نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران



ایرج فرزاد

روبرو شده است. آیت الله عبدالمجید الخوئی که یکی از چنین عناصر "سرشناس" روحانی شیعه بود، و آقای بلر هنگام بدرقه او به مقصد نجف تا پای پله هواپیمای نظامی حامل ایشان آمدند، در یک تصفیه حساب درونی این مافیای دست ساز "معارضین" در نجف به قتل رسید. در اولین جلسه بزرگ "معارضین" سابق که روز ۱۴ آوریل در پایگاه هوایی تلیل در نزدیکی شهر ناصریه به ریاست جی کارنر و شرکت زلمای خلیل برگزار شد، آقایان چلبی و بارزانی و طالبانی شرکت نداشتند و در

صفحه ۲

سناریو سیاه نظم نوین برای مردم عراق

تعداد بیشتری از تفنگداران دریایی آمریکا و بخدمت گرفتن بقایای ارتش و پلیس بعث پروژه بازسازی عراق "آزاد شده" را شروع میکنند. اما، بازسازی عراق "آزاد شده" به همان اندازه نقشه و برنامه طرح ریزی شده در اطاق فرماندهی پریزیدنت بوش، سیاه، تبهکارانه و ضد انسانی است:

دوران انتقالی حکومت ژنرال کارنر

ژنرال کارنر همراه با چند ژنرال دیگر و دارای سنوات خدمت در سیا و پنتاگون، قرار است برای مدتی که برآورد میکنند از ۶ ماه تا حداقل یکسال طول بکشد، بر مردم عراق حاکم شوند و آنها را عادت دهند که زیر سلطه ارتش آمریکا زندگی کنند تا بتدریج عراق را تحویل "بومی" هائی از نوع احمدچلبی و آیتالله حکیم و دیگر عناصر فعلا گمنام "اپوزیسیون" عراقی بدهند. اما ورود به این مرحله در فاز اول با موانعی جدی

رژیم بعث و ارتش و پلیس و تمام "دستاوردهای صدام حسین را در پاکسازیها و جنوسایدها، دست نخورده باقی بگذارند. صراحتا اعلام کردند که به هیچ قول و قرار و معاهده بین المللی و تصمیم سازمان ملل هم توجهی نخواهند کرد. کونوانسیون حقوق کودک، قوانین بین المللی در رفتار با اسرای جنگی، مصون بودن بیمارستان و مدارس و محل سکونت مردم سیویل از حملات نظامی و بمبارانها و موشک پرانیها، مصون بودن آب آشامیدنی و برق مورد نیاز مردم و حتی بیمارستانها... با بیرحمی و بی وجدانی تمام زیر پا له شدند و تا تلی از ویرانه رها گردیدند. اکنون جنایتکاران جنگی بر مردم عراق و بشریت متهمن منت هم میگذارند که برای چاره ویرانه ای که خود برپا کرده‌اند و در میان دریای اشک و نگاه ترس آلود مردمی که هنوز از شوک رعد و برق بمبارانها و غرش تانکها و هواپیماها و بمب افکنها خلاص نشده‌اند، با گسیل

"جنگ آزادی عراق" دارد مراحل آخر خود را طی میکند. گوشه کمی از ابعاد جنایات این عملیات را تاکنون دیده و شنیده ایم، اما مثل صحنه های مشابه فجایع جنگی در ویتنام و جنگ اول آمریکا و متحدین در خلیج و بمبارانهای یوگوسلاوی سابق و افغانستان، تظاهر جوانب وحشتناک این نمایش ارباب بشریت متمن هنوز در راه اند. در پس تبلیغات جنگی و هیاهوی ژنرالهای ارتش آمریکا که تمام سوابق آنان با کودتاهای نظامی و لشکرکشی و بمباران و تعرض و جنایات جنگی نوشته شده است، و زیر شعار فریبنده آزاد کردن عراق از سلطه دیکتاتوری صدام، دارند زمینه های تحمیل یک سناریو سیاه بر مردم عراق را فراهم میکنند. از همان مراحل اول لشکرکشی به منطقه و علیه مردم عراق، نظم نوینی ها پنهان نکردند که قصد دارند چهارچوب اصلی



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

ایسکرا
 سردبیر: ایرج فرزاد
 iraj_farzad@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
 فاکس: ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۷۵۷۴

اطلاعیه
حزب کمونیست کارگری ایران درباره تعرض نظامی آمریکا و عواملش به مقرهای سازمان مجاهدین خلق
 صفحه ۴

بعد از سقوط بعث "سازمان زحمتکشان" ضد بعثی میشود!
 رحمان حسین زاده
 صفحه ۴

"گوردایه تی" همین است!

اینها کردند، چرا کاری کردند که کرد بودن عار بشود، چرا به امر عادلانه «ملت» کرد خیانت کردند، و خیلی از انتقادات دیگر این نوعی، از موضع دلسوزان «ملت» کرد. جالب این است که اگر این مسئله برای این منتقدین کرد مشکل ساز بوده، و احتمالا در میان مردمان دوست و آشنا و همکاران اروپایی شان احساس گناه کرده و خجالت شان کرده است، برای شخص من در میان همکارانم فرصت و امکانش شد تا از وجود جنبشهای مختلف سیاسی در جامعه کردستان برایشان توضیح دهم، و از تفاوتهای بنیادین بین سوسیالیستها و ناسیونالیستها و فاشیستهای نوع کردی برایشان با فاکت و سند و مدرک بگویم. بر



محمد فتاحی
m.fatahi@ukonline.co.uk

به دنبال تبدیل شدن نیروهای پیشمرگ طالبانی و بارزانی به بخش بی اراده سیاست میلیتاریستی آمریکا، و به عنوان نیروی وردست و نوکر برای سربازان بوش، بخشی از ناسیونالیستهای چپ عصبانی شده و به اعتراض افتادند که این چه کاری است که

صفحه ۳

تلویزیون انترناسیونال
 روزهای یکشنبه
 ساعت ۵ و نیم بعداز ظهر
 و چهارشنبه
 ساعت ۱۱ و نیم شب بوقت تهران
 از شبکه تلویزیونی کانال یک
 پخش میشود
آدرس تماس:
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۵۹۰۲۲۳۷
فاکس: ۰۰۱۵۰۳۲۱۲۱۷۳۳
ای میل:
 wpi_tv@yahoo.com
سایت اینترنت:
 www.rowzane.com
 مدیر مسئول: آذرمدرسی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سناریو سیاه نظم نوین...

مقابل نمایندگان خود را به این جلسه فرستادند. حضرت آیت‌الله حکیم که می‌خواهد رهبری انقلاب اسلامی عراق به او سپرده شود و اجبر مشترک سیا و جمهوری اسلامی است، جلسه مذکور را تحریم کرده بود، دلیلش ریاست آمریکای "اشفاگر" در آن کنفرانس بود!! (می‌خواهد ناشیانه ادای مرحوم خمینی را علیه "مستکبرین" در آورد.) همزمان در همان روز در شهر ناصریه حدود بیست هزار نفر از مردم بر علیه کنفرانس مذکور و حضور نظامی آمریکا در عراق دست به تظاهرات زدند، تظاهرکنندگان شعار میدادند نه به آمریکا! نه به صدام! سربازان آمریکایی که همواره برای توجیه کشتارهای خود گفته اند از محلی مورد حمله تک تیراندازان قرار گرفته بودند، بروی مردم آتش گشودند، ۱۵ نفر را به قتل رساندند و بیش از ۱۰۰ نفر دیگر را زخمی و روانه بیمارستان بی دارو و امکانات پزشکی کردند. "لایس داوست" خبرنگار بی بی سی در عراق می‌گوید نظیر چنین تظاهرات ضد حضور آمریکاییان در بغداد نیز هر روزه اتفاق می‌افتد. آیت الله حکیم که خواب رویاهای ارتجاعی پدر خوانده خود خمینی را برای مردم عراق دیده است، می‌فرماید "مردم عراق اسلام را می‌خواهند!" سازمان دیده بان حقوق بشر که مرکز آن در نیویورک مستقر است گزارش داده است که بعد از "آزادی" کرکوک و موصل، نیروهای آمریکایی از برقراری نظم بکلی ناتوان ماندند. بوش و بلر، هر دو، اقرار کرده‌اند که گرچه از نظر نظامی "تقریباً" کار را تمام کرده‌اند و فاز اول "دمکراسی" پنتاگون را به پایان برده اند، اما پنهان نمی‌کنند که هنوز "مشکلات جدی" در پیش دارند.

تناقضات درونی دوستان نجدی و داخل کشوری آمریکا

برخی مقولات برای خبرگزاری بی بی سی، حکم هیت ناموسی و البته همزمان و مهمتر یک ناندانی ژورنالیسم نوکر را داشته است. از آن جمله است تعریف ترکیب جمعیت یک کشور، یک مملکت و یک سرزمین طبق تعلقات ازلی انتیکی، قومی و مذهبی. آمار و نموداری بی بی سی، می‌گوید ترکیب جمعیت عراق چنین است: شیعه: ۶۰ تا ۶۵ درصد؛ کردها:

نزاع و کشمکش را باز کردند. این وضع هم پیمانی است که کارنامه ۱۲ سال حاکمیت احزاب عشیره ای شان شناخته شده و قابل ارزیابی است. تکلیف دیگر عناصر و شخصیت‌های مرموز و پشت پرده ای که سیا و پنتاگون روی آنها کار کرده است، روشن است. با اولین بروز ردیابی مشخصات و هویت و جایگاه واقعی اینها، جبهه "معارضین" چون بادکنک می‌ترکد. پدیده ای هستند شبیه آنچه که در کنفرانس گوادلوپ برای سرکوب مبارزه مردم علیه رژیم شاه، از چهره "معارض" مرتجع و ضدانسانی چون خمینی و اعوان و انصار و مشاورین اش ساختند و لانس کردند و به قدرت رساندند. با این تفاوت که معارضین نوع عراقی آن، خصائل مزدوری و چکمه لیبی آشکارتری از خود بروز داده اند و مستقیم تر و البته وقیح تر به همکاری با سیا و پنتاگون افتخار هم می‌کنند. بخش کردی متحدین رئیس بوش، مخالفین و کل هیات انسانی جنبش ضد جنگ را خائن و ضد کرد و طرفدار صدام حسین میدانند. چنین جبهه ای که بر اساس هویتی جعلی سرهم بندی شده اند و تضاد و تناقضات درونی آن نمیتواند از چشم مردمی که برای امنیت، زندگی آرام و رفاه و سعادت تلاش می‌کنند پنهان بماند. تحمیل این موجودات و جانوران بعنوان رهبران جامعه، هم با توجه به نقش مستقیمی که در این جنایات جنگی نظم نوینها برعهده گرفتند و هم با توجه به کارنامه تلاش پریزیدنت های پیشین خود در یوگوسلاوی و فلسطین، فوق العاده دشوار شده است. درست است که ناوگان رئیس بوش، شیرازه مدنی جامعه عراق را در خون و اشک و دود متلاشی کرد، اما مردم عراق بلافاصله پس از سقوط صدام زدگی را فریاد زدند و به سیطره ژنرالهایی که دهها دیکتاتور از قماش صدام را به قدرت رسانده‌اند، قاطعانه نه گفتند. جهان متمدن دمکراسی پنتاگونی و نظم نوینی را باندازه کافی تجربه کرده است. تحمیل و ادامه آن بر مردم عراق توسط مشتکی این وقت نان به نرخ روز خور و حلقه بگوش ژاندارمهای آمریکا و انگلیس و ترکیه، برای ژاندارمهای جنایتکار جنگی، یک معضل

لاینحل باقی میماند. با "پیروزی" آمریکا و انگلیس در این جنگ، تازه جوانب سیاه سناریونویسان نظم نوین را داریم در گوشه و زوایای جامعه عرق میبینیم. ترکیه مدام تهدید میکند که نیروهایش را به کردستان عراق میفرستد، جبهه ترکمنی وابسته به میت، مردم کرد زبانی را که رژیم بعث از کرکوک و روستاهای اطراف بیرون کرده بود، و قصد داشتند با "آزادی" این شهر به آنجا باز گردند، به قتل می‌رسانند. بدست گرفتن کرکوک از جانب اتحادیه میهنی و جلال طالبانی بعنوان کارتی در بازی تقسیم کرسی قدرت در بغداد، به تشدید تشنجات قومی و ملی دامن زده است. در موصل بین عشایر عرب و قومی و مذهبی، بلکه فدرالیسمی شبه اقلیمی اداره شود. این روال، پرونده فدرالیسم ملی و قومی و مذهبی جناب جلال طالبانی و حلقه بگوشهای او و نیز آیت الله حکیم و "علمای" نجف را به بایگانی میسپارد و "مام" جلال ناچار است در اقلیم شمال، با رقبای خود، از جمله پارتی بارزانی، برای فدرالیسمی در درون فدرالیسم به تلاشهای همیشگی اسلحه و مذاکره، این بار نه با حکومت مرکزی، که با رقبای ناسیونال عشیره تاکنون همسوی خود، ادامه دهد. سقوط صدام اینها را هم از قدرت زیر سایه مدار حفاظ آمریکا برای کردها در مقابل تهدیدات صدام، در خلا رها کرده است. در این میان سازمان زحمتکش "قوم" کرد ایرانی تبار کدام خاکی بر سر بریزد؟ از خدمت مرخص میشوند؟

معضل مشروعیت میلیتاریسم عنان گسیخته

ایدئولوگهای بوژوازی و نشریات و محافل که حکم مشاور باند‌های حاکم بر آمریکا را دارند، از همان مراحل اول جنگ دوم آمریکا علیه مردم عراق، مرتباً هشدار داده اند که این جنگ و تجاوز فاقد مشروعیت و توجیه است. از همان لحظات اول ازاینکه آمریکا توانست "افکار عمومی" جهان را قانع کند که جنگ بر سر وجود سلاح کشتار جمعی است، هشدار دادند. همه جهانیان دیدند که بوش فقط بهانه گرفت

و کار بازرسان سازمان ملل را ناتمام گذاشت. بعد از "اتمام" کار صدام و تصرف زادگاه او، هنوز این نگرانی در دل استراتژیست‌ها و مشاورین بوش وجود دارد، که جواب آن همه شانتاژ و دروغ را برای شروع یک سری جنایات جنگی را چگونه بدهند؟ عراق دیگر تحت حکومت مخوف صدام نیست، "گارد ریاست جمهوری" مضمحل شده است و مشاورین طراز اول او یکی پس از دیگری خود را به نیروهای آمریکایی معرفی می‌کنند. آیا واقعا آمریکا و نیروهای هم پیمان خواهند توانست از طریق این ماشین دروغ و شانتاژ آشکار در تحمیل این کشتار به جامعه بشری، ماهیت سیاست نظم نوین را پنهان کنند؟ مردم عراق، مردم منطقه و ده ها میلیون نفری که در جنبش ضد جنگ درگیر با این جانبداران هستند، در ابعادی وسیعتر اهداف واقعی سیاستمداران نظم نوین را خواهند شناخت.

مساله، اما، این است که از تحقق و پیشروی این سناریو سیاه باید جلوگیری کرد. جنبش ضد جنگ، باید در کنار مردم عراق چهره تمامی عناصر این سرنوشت سیاه را بشناسد، آنها را رسوا و منزوی کند و به یاری مردم عراق برخیزد تا در فضائی بدور از شانتاژ و ارعاب نظامی، بتوانند سرنوشت خویش را بدست گیرند. نیروهای نظامی و ماشین جنگی آمریکا و انگلیس باید فوراً عراق و منطقه را ترک کنند. نباید اجازه داد تا عناصر ریز و درشت و اجیران "تبعیدی" و غیرتبعیدی و پرسوناژهای سناریو نویسان پنتاگون بوش و بلر سرنوشت مردم عراق را رقم بزنند. اراده مردم عراق باید به خود آنها بازگردد. این مردم قربانی سالها دیکتاتوری و بیرحمی رژیم بعث و صدام حسین، به حکومت ژنرالهای ارباب صدام و اجیران خرده صدام های قومی مذهبی نیازی ندارند. مردم عراق قربانی نداده اند تا یک مشت آیت الله و جاسوس سیا و دیپلمات ناسیونال عشیره همیشه آماده نوکری قدرتهای کوچک و بزرگ به کرسی قدرت لم دهند.

۱۵ آوریل ۲۰۰۳

**یک دنیای بهتر،
برنامه حزب کمونیست
کارگری را بخوانید!**

"کوردایه تی" ...

(از صفحه اول)

عکس این منتقدین، این روزها به اتهام داشتن ملیت کردی، در مقابل هیچ کسی احساس بدهکاری و گناه نداشت. دلیل اصلی هم در این است که هویتی انسانی برای خود تعریف کرده ام که بطور اتفاقی هم در یک نقطه جغرافیایی معینی در این دنیا متولد شده‌ام، با مشخصات سیاسی اجتماعی معین. علیرغم تمایل من، بعضی فاکتورها و عوامل سیاسی و اقتصادی، انسانهای نقاط مختلف دنیای امروز را به ملیتها و قومها و طوایف مختلفی تقسیم کرده است. و این البته یک رکن اساسی فرهنگ و ایدئولوژی دنیای سرمایه داری است. این آن پوسته کاذبی است که بر تن هویت انسانی ما کشیده‌اند. هیچکس با تولد خویش، تعلق به خاک، زبان، میهن، خدا و شاه و دین و آئین را به دنیا نمی آورد. در کنار این عوامل، فاکتور اساسی دیگری عمل میکند که میتواند اراده فرد را نمایندگی کند. اگر پدر و مادر، محل و تاریخ تولد و زبان و دین و تعصبات اولیه خود را خود ما انتخاب نکرده‌ایم، ولی انتخاب دیگری هست که به من و اراده من و ما مربوط است: انسان بودن، و پرت کردن هر هویت کاذبی که محصول محیط جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی ماست. کنار نهادن مهری که جامعه علیرغم میل من، بر پیشانی من زده است. در یوگوسلاوی پیشین و در عراق فعلی‌دیدیم و می بینیم که چگونه سعی کردند و میکنند با باران بمب و موشک و تبلیغات مدام به ما یقینولاند، که صرب و کروات و آلبانی تبار و عرب و عجم و شیعه و سنی و کلدانی و یزیدی هستیم که باید بخاطر آن هم شکم پاره کنیم و شکمان را پاره کنند. داشتیم میگفتم، ناسیونالیستهای چپ، پیراهن ملی را هویت خود کرده‌اند، به رفیق و هم جنبشی های راست تر از خود انتقاد میگیرند که به جنبش شان خیانت کرده اند، و مایه شرم و خجالت برای شان شده‌اند. انتقادات کهنه این عزیزان از برادران دست راست شان تاریخی به عمر این جنبش ملی کرد (کوردایه‌تی) دارد. به ملا مصطفی بارزانی انتقاد گرفتند که اعدام سلیمان معینی، ملی گرای سالهای ۱۳۴۶ و ۴۷، و تحویل جنازه‌اش به ساواک شاه، خیانت به کردان بود. همین انتقاد را بازهم از ملا مصطفی کردند، وقتی که سعید آلچی و رفقاییش را که از

کردستان ترکیه بودند، به همان شیوه سلیمان معینی کشت. بعدها، همین ناسیونالیستهای چپ به قول خود خیانتهای ملا مصطفی را فراموش کردند، تا زمانی که نیروهای بارزانی، بعنوان "قیاده موقت"، با غلیظ کردن هویت اسلامی در برابر هویت کوردایه تی، همدست جمهوری اسلامی شدند، در مناطق شمال کردستان با ما جنگیدند، و همراه پاسداران خدا ۱۱ نفر از ما و ۸ نفر از دموکرات را در دره بازیازی در پاییز سال ۱۳۶۰ کشتند. در شهر اشونیه هم در سال ۱۳۵۸، تظاهرات مردم علیه حضور جمهوری اسلامی را به خون کشیدند، و ۱۱ نفر از جوانان شهر را روز روشن در خیابانهای اشونیه کشتند. این کار شان حتی بدون حضور نیروهای جمهوری اسلامی بود! در مورد حزب بارزانی اگر ادامه دهم، به اشغال شهر اربیل با همکاری صدام و بعث در ۱۱ اوت ۱۹۹۶، به جنگ علیه پیشمرگان پ. ک. ک، با همراهی نیروهای ترکیه، و خیلی از موارد دیگری که گفتن شان نمیدانم چقدر لازم است. در تمامی این دوره ها، انتقاد ملی ناسیونالیسم چپ به اینها، این بود که بارزانیها خائن‌اند!

از حزب طالبانی بگویم؟ اولین اتحاد اینها در سال ۱۹۶۶ میلادی با حکومت بعث بود، علیه رقیب دیگر شان در جنبش کوردایه‌تی. به همین دلیل، طالبانی نزد منتقدین ملی اش به «جاش ۶۶» مشهور شد. اتحاد دیگرشان با جمهوری اسلامی برای اشغال سلیمانیه و فشار به رقیب بارزانی‌اش در همین جنبش بود، در سال ۱۹۹۶. در این دوره هم اینها به بارزانیها میگفتند جاش بعث، بارزانیها هم اینها را جاش ایران میدانستند. دو تایشان هم طبق تعاریف خودشان از جاش (مزدور دیگران)، در این کاتاکوری می گنجیدند! شاید هم اولین بار بود که در مورد هم درست میگفتند! طالبانی در جنگ ایران و عراق نیز همراه سپاه پاسداران بود و جبهه حلبچه را جمهوری اسلامی به کمک آنها گشود. همین حزب طالبانی ستونهای رژیم اسلامی را برای حمله به دموکراتیهای کردستان ایران اسکورت کرد، در سال ۲۰۰۰ هم به سفارش جمهوری اسلامی به مقرهای کمونیست کارگری حمله کرد و پنج کمونیست را کشت و از جمهوری اسلامی هم رسماً و علناً تشویق و پول گرفت. در تمام این دوره ها، همکاری و خدماتشان به هرکدام از رژیمهای منطقه، از نظر خودشان افتخار

بزرگی برای کرد بود، که کارشان به نزدیکی و همکاری با دولتهای منطقه ختم شده بود. از آنجا که این احزاب، در شکاف دول منطقه نان میخورند، اختلاف آنها و همکاری خود با آنها را بالاترین دستاورد برای جنبش کوردایه‌تی میدانند. امروز که دوتایی توانستند در اختیار آمریکا قرار بگیرند که از دول منطقه قویتر است، و شکافی که برای نان خوردن شان ایجاد شده از شکاف اختلافات منطقه‌ای بزرگتر است، احساس میکنند که افتخار بیشتری برای جنبش شان (کوردایه‌تی) کسب کرده‌اند! تفاوت دیگری هم در به خدمت گرفته شدن این بار شان هست. قبلاً تقریباً همیشه در تقابل با بخشهایی از جنبش کوردایه‌تی به دول منطقه خدمات میدادند، حالا در تقابل با جنبشی غیر از خودشان، آنها در خدمت آمریکای قدرتمند اند!

دوستان عزیز چپ جنبش ملی کرد! انتقاد شما به «خیانتی» رهبران جنبش تان، بهتر است روزی، در نقطهای خاتمه پیدا کند. این نقد آبکی را بهتر است روزی کنار بگذارید. بچهای هشت نه ساله بوم که در آهنگهای «کاووس‌تاغا»، خواننده بادینی زبان کرد نقد خیانت کردها به هم را شنیده‌ام. از عمر من بیش از چهل، و از مرگ آن خواننده فکر میکنم بیش از پنجاه سال بگذرد. قرار است تا چند نیم قرن دیگر این نقد آبکی به رهبران جنبش‌تان را تکرار کنید؟ کاووس‌تاغای بیچاره احتمالاً آدم بیسواد یا کم سوادی بوده در دوران عشایر. شماها که درس خوانده‌اید و دانشگاه رفته‌اید، میشود درک و عقل سیاسی تان اندکی بالاتر از بیسوادان نیم قرن پیش باشد. برای یکبار هم که شده باور کنید که رهبران جنبش کوردایه‌تی شما خائن نیستند. آنها هیچ دورهای به جنبش ناسیونالیستی کوردایه‌تی پشت نکرده‌اند، به همین دلیل هم در راسش بوده‌اند. نوکری و به قول شما خیانت و هر روز در خدمت دولت و رژیم بودن، نه خیانت، نه اشتباه، و نه فریب شان، هیچکدام نیست. ماهیت جنبش کوردایه‌تی، ماهیت ناسیونالیسم کرد و جوهر ملی گرای کرد همین است. اگر نوکری این و آن بودن را از تاریخ این جنبش حذف کنید، تقریباً لحظهای باقی نخواهد ماند. پایه های این جنبش به نوکری و مزدوری و اتکا به این رژیم و آن جنایتکار گره خورده است. در غیر اینصورت میتوانید لحظهای تصور کنید این جنبش بدون اتکا به نوکری چه موجودیتی

خواهد داشت؟ این جنبش عین کرمی است که در لای تخصصات مرزی و منطقه‌ای نفس میکشد و تغذیه میکند. دعوایی در بین حاکمان نباشد، باور کنید جایی هم برای این «شورش» نیست. این جنبش برای رساندن خیر و برکت به کسی نیست، جنبش رساندن کسی به آزادی نیست، جنبش زن برای برابری نیست، جنبش جوان و کودک و کارگر و زحمتکش برای رفاه و نان و آب و امنیت و کسب و کار و آسایش نیست. جنبش برای رفع ستم ملی هم نیست. کوردایه‌تی، جنبش شما، احزابی را در خودش تولید میکند که به اتکا به وجود ستم ملی دنبال کسب قدرت محلی برای خود و طبقه سرمایه‌دار در کردستان هستند. باور کنید اینها با رفع ستم ملی فلسفه وجودی خود را از دست میدهند. این راه میتواند روزی به نوکری جمهوری اسلامی شان بکشاند. میتواند به خدمت ترکیه و عراق و سوریه و شوری و آمریکایشان بکشاند، اصلاً مهم نیست. همین جنبش وقتی به نوکری بوش نیاز دارد، در پلاکاردهایشان مینویسند «جرح بوش و طالبانی، برای گیانی گیانی»، در دورهای که به خدمت استالین در آمدند شاعر میدادند که «استالین پیشوایه، بو کردان وک باب وایه» یعنی استالین رهبر است، برای کردان مانند پدر است. این برادر و پدر جنبش و رهبران شما میتوانند هر کس و ناکسی در این دنیا، و هر جنایتکار فاشیست و خون‌آشامی باشند، به شرط اینکه «کورد» یعنی احزاب ملی کرد را در قدرت شریک کنند. این شریک قدرت هم فرق نمیکند جمهوری اسلامی یا بعث و یا فاشیستهای ترکیه یا کثافت دیگری است.

۲۴ سال عمر جمهوری اسلامی، ۲۴ سال تقلاي حزب دمکرات برای سازش های علنی و پنهانی بوده است. اگر این رژیم با تمامی جنایاتش حاضر میشد قبول شان کند، پاسدار مهاباد میشدند، عمامه بر سر مینهادند و به هر گندابی میزدند، خوشبختانه رژیم قبول شان نکرد. اوایل فکر کردند قبول شان میکنند، به همین خاطر ستونهای ارتش را به پادگان مهاباد اسکورت کردند. هیئت نمایندگی مردم کردستان را به هم زدند و مخفیانه روانه تهران شدند، ولی پذیرایی نشدند. در جنگ ایران و عراق، رسماً به جمهوری اسلامی اعلام کردند که حاضر به شرکت در جنگ هستند، و به قول خودشان «جاشیتی» (مزدوری) را می پذیرند، ولی به خدمت شان نگرفتند. در کنکره چهارم شان رسماً رهبری «امام

خمینی» را در برنامه شان هم گنجانند و برایش پیام دادند و لبیک گفتند، ولی باز هم تحویل گرفته نشدند. همین سرسختی جمهوری اسلامی در تحویل نگرتن اینهاست که پرونده دمکراتهای کردستان ایران را از احزاب برادرشان در کردستان عراق کمی جدا میکند. اگر می پذیرید ماهیت جنبش تان همین است، پیشنهاد من این است که از حمایت و پشتیبانی این جنبش دست بردارید. تا بستر مشترکی را با جریان ناسیونالیست کرد انتخاب کرده باشید، همواره با هر شکست و افتضاحی که آنها بیار می آورند، شما هم ناچارید، احساس گناه کنید. نمیشود هویت ملی یا مذهبی بر خود نهاد و از موضع انسان حق طلب خواستی داشت. میشود انسان غیر ناسیونالیست بود، و به مثابه انسان، و نه کمتر از انسان خواستار رفع ستم ملی از مردمان کردستان را طرح کرد و برایش هم مبارزه کرد. اگر بر شما ستم ملی می‌رود، چه اجباری هست خرافات ناسیونالیستی را باور خود کنید تا علیه ستم ملی مبارزه باشید. آن زمان که خود را انسان حساب کنید، از خانواده بارزانیها و طالبانیها و اسماعیل آقای سمیتکو و سلسله سران عشایر و قبایل و مرتجعین کردستان نخواهید بود تا کج رفتن آنها خیانت به شما باشد. مگر جنایات جمهوری اسلامی شما را خجالت میکند؟ نمیکند! چرا که آنرا از خود و خانواده سیاسی خود نمیدانید. در حالیکه سران این رژیم هم برای خانواده ناسیونالیستهای ایرانی مایه شرم و خجالتی اند که رهبران «نالیقی» هستند! به همین خاطر آنها را عرب و هندی تبار حساب میکنند تا به قول خودشان از دایره «ملت» ایران خارج شوند و خاک «پاک» ایران زمین شان همیشه پر «گوهر» باشد! می بینید که ناسیونالیسم و ملی گرای همه زشت است. همین ملی گرای است که ناسیونالیستهای جامعه عرب زبان را پشت صدام به خط میکند، ترکهای ملی را هم پشت آتاتورک. همین امر موجب میشود که ترک زبانهایی که جد اندر جد شان یک وجب خاک برای مسکن ندارند، پشت آتاتورکیستها در مقابل کرد زبانها مثل سگ گاز بگیرند، کرد زبانها را پشت بارزانی و طالبانی بیندازد و خانه خرابی و بمباران مردم در بغداد را جش بگیرند و اگر دستشان هم رسید در کرکوک در غارت عرب زبانان بیچاره تر از خودشان شرکت کنند. باز همین ملی گرای است که

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بعد از سقوط بعث، سازمان زحمتکشان ضدبعثی میشود! (نمیگذاریم حلقه بگوشان طالبانی رنگ عوض کنند)



رحمان حسین زاده

که دستشان مدتهاست روشده است. چه کسی مجاهدتهای بعد از سقوط صدام و افشاکریهای امروزشان علیه استبداد سیاه بعث را جدی میگیرد، که خود سالها در مورد آن سکوت کردهاند. چه کسی جسارتهای امروزشان علیه بعث جارو شده از صحنه قدرت عراق را جدی میگیرد، در صورتیکه همین چند سال قبل آقایان مهتدی و ایلخانی زاده در مقابل فشار سیاسی منصور حکمت برای قطع رابطهشان با بعث، با "افتخار" از ادامه آن دفاع کردند. چه کسی "ضد بعثی گری" امروزشان را باور میکند، در صورتیکه دو سه سال قبل در سال ۲۰۰۰ به دنبال کودتایشان از کومهله خواستار ارتباط با عراق شدند و این رژیم بعث بود، دست رد به سینهشان زد؟!

اینها با بعث مشکل جدی نداشتند. شور و شعفشان از سقوط بعث نیست. اینها سرمست پیروزی نظامی آمریکا و به قدرت نزدیک شدن "مام جلال" و دیگر گماشتههای ناسیونالیست و اسلامی آمریکا در عراق هستند. اینها چشم انتظار تحقق "فدرالیسم قومی مذهبی" همین داروستانها هستند. اینها در ذوق و شادی طالبانی و بارزانی و احمد چلبی و باقر حکیم و سامرایی و خزرجی شریکند و در واقع پیام شادیشان خطاب به آنها است و عوافریبانه اسم مردم روی آن میگذرانند. هر انسان ذرهای آگاه به سیاست و ذرهای باشرف میدانند، در این تحول پیروزی نصیب مردم عراق نشده است. هر انسان ذرهای مسئول میدانند که سناریوی سیاهی کل جامعه عراق را تهدید میکند. احتمال بالکانیزه شدن و گسترش کشمکشهای قومی و مذهبی کابوسی بر بالای سر جامعه عراق است. زد و خوردهای اولیه این

سناریو به صدا درآمده و همه میدانند مردم عراق و کردستان عراق در بیم و هراس بسر برده و نگران آیندهاند. اعتراضات مردم در روزهای اخیر در بغداد و موصل و جنوب عراق این واقعیت را نشان میدهد. اما اینها را چه باک؟ هر چه باشد در پی یکدوره از پاکسازی قومی و مذهبی "فدرالیسم" مورد علاقهشان قابل اجرا جلوه میکنند؟! و اصلا خود میخواهند عنصر فعاله اجرایی چنین سناریویی در کردستان باشند.

در پایان به این باند و سرکردگانش چند نکته را باید تذکر داد. اولاً خیلی سریع ذوق زده شدهاند. هر چند "پیشمرگان مام جلال" در معیت نیروهای آمریکایی به خانیقین و کرکوک راه یافتند، اگر حتی از ذوق این موضوع اینبار به اسم "عمر خانقینی" و "عقبه کرکوک" هم مطلب بنویسند اما آینده اوضاع بر وفق مرادشان نیست. بویژه موقعیت اتحادیه میهنی و "مام جلال بزرگوارشان" در معادلات آینده عراق بسیار شکننده و مبهم است. عجله نکنند بهتر است و مقداری احتیاط به خرج دهند. دوماً، همچنانکه بارها تاکید کردهایم، نورافکن را روی آنها گرفتهایم، هر سیاست و حرکت و کردارشان را نزد مردم رسوا میکنیم. نمیگذاریم به آسانی معلق بزنند و رنگ عوض کنند و مردم را فریب دهند. اراجیف و شکرشکنیهای اخیرشان علیه ما از همینجا مایه میگیرد. و بالاخره بهتر بود این مثل را یکبار هم شده جدی میگرفتند: کسانی که در خانه شیشههای نشستهاند سنگ

کمک مالی منظم به کمیته کردستان

- عزرا آدمی (آباجی) ۲۰۰ کرون
- جبار کردی ۱۵۰ کرون
- گلباغ سلیمی ۱۰۰ کرون
- محمود خاطری ۱۰۰۰ کرون
- پروانه احمدی ۵۰ کرون

کمک مالی به کمیته کردستان

- ۱- رسول بناوند ۲۰۰۰ کرون
- ۲- سارا محمد ۶۲۰ کرون
- ۳- محمد فضلی ۱۰۰ کرون

زاد، بعد از طی حکومت دوران "موقت" و ایضا نامشخص ژنرال گارنر، بین جمعی از اجیران در "تبعید" سیا و امثال باقر حکیم، که حاکمیت آنها هم "انتقالی" است، تقسیم شود. دیپلوماسی تاکنونی مبارزه و مذاکره با حکومت بغداد، هم اکنون به آنها رسیده است، چرا که حکومت بغداد بدون صدام و با حفظ تمامیت ارضی عراق، نقشه توافق شده آمریکا و خرده هم پیمانان بوده است. بعنوان اولین نشانه پایان حکومت سرگردنه جلال طالبانی برسلیمانیه، بیرون انداختن نیروهای اتحادیه میهنی را از کرکوک بعد از یک اخطار فرمانده ارتش ترکیه، به "کاک عبدالله" یادآور میکنم. مسعود بارزانی هم به ارباب ایشان تذکر داده بود که ورود به کرکوک خلاف قول و قرارها بوده است. موجود لوس و نتر "مام جلال"، در میان مردم کردستان ایران پدیدای منفور است. از این پس، هذیان گوئیهای های ضدکمونیستی و نفرت پراکنی قوم پرستانه را به اتکا کدام تفنگچی ها ادامه میدهند؟ بهتر نیست خفقان بگیرند و فکری به حال آینده سیاه خود بکنند؟

۱۶-۴-۲۰۰۳ ***

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران درباره تعرض نظامی آمریکا و عواملش به مقرهای سازمان مجاهدین خلق

در روزهای اخیر چند مقر سازمان مجاهدین خلق در عراق مورد حمله قرار گرفتهاند و تعدادی از اعضای این سازمان کشته و زخمی گردیدهاند. اعلامیه سازمان مجاهدین جمهوری اسلامی را مجری این تعرض اعلام میکند اما اخبار مختلف و بویژه اظهار نظر مقامات رسمی دولت بریتانیا در تهران و نشریات پاره‌ای از احزاب ناسیونالیست کرد دال بر آن است که این تعرض از جانب نیروهای آمریکائی و احزاب ناسیونالیست کرد از جمله داروستانه جلال طالبانی و در تبنانی آشکار با جمهوری اسلامی انجام شده است. سخنگوی سفارت انگلیس در تهران وقیحانه این عملیات را به موضع دولت انگلیس در غیرقانونی اعلام کردن مجاهدین در بریتانیا وصل کرده و بدون هیچ پرده پوشی اعلام میکند که مقامات جمهوری اسلامی ایران در جریان اقدامات علیه اعضای سازمان مجاهدین قرار گرفته اند.

این حمله همکاری رسمی با جمهوری اسلامی علیه نیروهای اپوزیسیون این دولت است. حزب کمونیست کارگری ایران حمله نظامی نیروهای آمریکا و مزدوران محلی شان به مقرهای سازمان مجاهدین خلق در عراق را شدیداً محکوم میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ فروردین ۱۳۸۲ - ۱۵ آپریل ۲۰۰۳